

واکاوی نظریه‌ی تحریف کتاب مقدس در پرتو قرآن کریم با تأکید به دیدگاه مفسران

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال پنجم، شماره ۱۹،
صفحات ۱-۱۹

پوهندوی نورمحمد ناج
عضو کادر علمی پوهنهی شرعیات پوهنتون بلخ

چکیده

این مقاله تحت عنوان «واکاوی نظریه تحریف کتاب مقدس در پرتو قرآن کریم با تأکید به دیدگاه مفسران» به بررسی مفهوم و مصداق تحریف در کتاب مقدس از نگاه قرآن کریم پرداخته شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع وقوع تحریف در کتاب مقدس اشاره دارد که این تحریف گاهی در لفظ و گاهی در معنا و تفسیر و بیان آن صورت گرفته است، نویسنده در روشنایی آیات قرآنی، با مراجعه و استناد به دیدگاه مفسران، مفهوم، مصداق و موضوعیت تحریف در کتاب مقدس و چگونگی آن را توضیح و میزان تحریف و چگونگی آنرا بیان نموده است. فهم دقیق این مسئله نه تنها به مسلمان بلکه به تمام کسانی در صدد یافتن حقیقت اند کمک خواهد کرد تا بتوانند تفاوت های وحی الهی و ساخته و پرداخته انسانهای در متون کتاب مقدس را درک نمایند، و ضمن اینکه به بی اساس بودن منابع دینی مدعیان دین مسیحیت و یهودیت آگاهی حاصل می کند، به اهمیت اصالت وحی و معجزه بودن قرآن کریم پی ببرد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که درشش آیه از آیات قرآن کریم، از تحریف سخن به میان آمده، دلالت به این دارد که تحریف صورت گرفته در متون مقدس یهودیان و مسیحیان شامل لفظ و معنای تورات و انجیل است، و اما این تحریف همه تورات را شامل نمی‌شود، به این معنی که بخش بزرگ عهدین تحریف شده و تا هنوز قسمت‌های اندکی در آن وجود دارد که دست تحریف به آن نرسیده است تا حجت و دلیل بر صداقت پیامبر خاتم (ص) باشد.

واژگان کلیدی: انجیل، تورات، قرآن کریم، تحریف، عهدین، کتاب مقدس

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

An Analysis of the Theory of Distortion of the Holy Bible in the Light of the Holy Quran

With Emphasis on the Interpreters' Perspective

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 19

Pages 119

Professor Noor Member of the academic staff of the Faculty of Sharia, Balkh University
Mohammad Naj

Abstract

This article, titled "Analysis of the Theory of Distortion of the Holy Bible in the Light of the Holy Quran with Emphasis on the Interpreters' Perspective," examines the concept and evidence of distortion in the Holy Bible from the perspective of the Holy Quran. The Holy Quran refers to the occurrence of distortion in the Holy Bible in numerous verses, and this distortion has sometimes occurred in words and sometimes in its meaning, interpretation, and expression. In the light of Quranic verses, with reference to and reference to the interpreters' perspective, the author has explained the concept, evidence, and objectivity of distortion in the Holy Bible, how to explain it, and the extent of distortion and how to express it. A precise understanding of this issue will help not only Muslims but also all those who seek the truth to understand the differences between divine revelation and human-made revelation in the texts of the Holy Bible, and will also help them to understand the groundlessness of the religious sources of those claiming Christianity and Judaism, and to realize the importance of the authenticity of the revelation and the miracle of the Holy Quran. The research method of this research is descriptive-analytical based on library studies. The findings of this research show that in six verses of the Holy Quran, there is talk of distortion, which indicates that the distortion that has occurred in the sacred texts of the Jews and Christians includes the wording and meaning of the Torah and the Gospel, but this distortion does not include all of the Torah, meaning that a large part of the Two Testaments has been distorted and there are still a few parts in it that have not been distorted to be an argument and evidence for the sincerity of the Holy Prophet (PBUH).

Keywords: Gospel, Torah, Holy Quran, Tahrif, Two Testaments, Holy Bible

مقدمه

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله واصحابه
ومن والاه.

قرآن کریم از نزول تورات و انجیل بر دو پیامبر بزرگ الهی، موسی و عیسی (ع) خبر می‌دهد. بدون شک آنچه که امروزه در اختیار مسیحیان و یهودیان قرار دارد و از آن به کتاب مقدس تعبیر می‌کنند، غیر از تورات و انجیل اصیل فرستاده شده بر این دو پیامبر است. ما مسلمانان به این باور هستیم که پیامبران گذشته از جانب الله متعال مبعوث شده‌اند، کتاب‌هایی را که از جانب خداوند آورده‌اند همه صحیح و موافق با مصلحت زمان آنها بوده است. و نیز عقیده داریم **تورات** و **انجیل** از جانب خداوند است، هر دو کتاب آسمانی و مطالبش صحیح و الهی است؛ اما طبق شواهد و تصریحات آیات الهی و حتی نوشته‌های خود یهودیان و مسیحیان، در حال حاضر این دو کتاب آسمانی دستخوش تحریف قرار گرفته و مطالب آن از صحت برخوردار نیست. برای اثبات این مطلب در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مورد استدلال مفسرین قرار گرفته است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف تحقیق: این مقاله درصدد آنست تا آیات وارد در مورد تحریف صورت گرفته در تورات و انجیل را بررسی نماید و زمنیه تحریف و میزان و چگونگی آن را مشخص سازد، و دیدگاه مفسرین و آرای دانشمندان را در تفسیر آیات متعلق به اثبات تحریف، تحلیل و تجزیه نماید؛ بناء هدف این نوشتار بررسی آیاتی است که بسیاری از مفسران بر پایه ظاهر آنها، تحریف آن دو کتاب آسمانی را نتیجه گرفته‌اند.

ضرورت تحقیق: در عصری قرار داریم که فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و اندیشه‌ها به هم در نهایت تلاقی قرار دارند، رویکرد گفتگوی ادیان و امتزاج پیروان ادیان مختلف بویژه میان اهل ادیان ابراهیمی به میزان بالا جریان دارد و داعیان و مبلغان هر دین به حقانیت اندیشه خود اذعان دارند، از اینکه محور اصلی هر دین را متون مقدس آن تشکیل می‌دهد، دین مقدس اسلام که خاتم ادیان و قرآن کریم که آخرین کتاب الهی برای بشریت است، دانستن دیدگاه قرآن در مورد تورات و انجیل برای مسلمان ضروری است، تا در برابر داعیان و مبلغان تنصیر و تبشیر منطق گویا و دفاعیه قوی خود را داشته باشند.

سوالات تحقیق:

- ۱- آیا در باره‌ی تحریف کتاب مقدس یهود و نصارا در قرآن کریم تصریحی دارد؟
 - ۲- اگر قرآن کریم «کتاب مقدس» را تحریف شده می‌داند، این تحریف لفظی است یا معنوی؟
 - ۳- آیا تحریف شامل تمامی «کتاب مقدس» است، یا بعض آن؟
 - ۴- مصداق تحریف چیست و اهداف تحریف کننده‌گان چه بود؟
- فرضیه تحقیق: با عنایت به سوالات تحقیق می‌توان چنین جواب احتمالی را در نظر گرفت:
- ۱- در «کتاب مقدس» کنونی تحریف و تغییر رونما گردیده که نسخه موجوده «کتاب مقدس» متداول با تورات و انجیل اصلی وحی شده بر موسی و عیسی (ع) هیچ همخوانی ندارد.

۱۴۱۲ هـ ق، ص ۲۲۸) خداوند فرموده است: {مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا} [نساء: ۴۶] برخی از آنان که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام با درآمیختن عبری به عربی] می‌گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی استهزا می‌گویند] را عنا [که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث ما] و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند.

مفهوم کتاب مقدس:

هدف از «کتاب مقدس» مجموعه اسفاری است که یهودیان و مسیحیان به آن ارزش و قداست قایل اند شامل که عهد قدیم و عهد جدید می‌گردد که از آن به بائبل (*Bible*) نیز تعبیر شده است.

کلمه تورات در زبان عبری بمعنی شریعت یا تعالیم دینی است؛ (هندی، ب ت، ج ۱، ص ۵۹) و آن عبارت از کتابی است که خداوند متعال به پیغمبر خود حضرت موسی (ع) در طور سینا نازل فرموده است.

انجیل از نگاه لغوی معرب از یونانی به معنای مژده و بشارت است. (توفیقی، ۱۳۷۹ هـ ش، ص ۱۶۰) اما از در اصطلاح مسلمانان، انجیل همان کتاب آسمانی می‌باشد که از جانب

۲- تحریف «کتاب مقدس» متوجه لفظ و معنا است، یعنی که در آن دو کتاب آسمانی لفظاً و معنماً دگرگونی رخ داده است و بدون استثناء شامل تمام اجزای آن می‌گردد.

۳- و نیز فرض بر این است که تحریف صرف متوجه معنا و شرح و تفسیر است نه لفظ آن.

روش تحقیق: این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه تهیه گردیده است.

پیشینه تحقیق: مسئله تحریف «کتاب مقدس» توسط مفسران و علمای اسلامی ضمن تفسیر آیات وارد شده توضیح گردیده و آنهم به صورت غالب به زبان عربی بوده است، اما در مجلات و ژورنال‌های معتبر بطور مستقل و مجزا از تفسیرها و مشخصاً به زبان ملی پیرامون تحریف کتاب مقدس موضوع خاصی را در نیافتیم، بناء با این تحقیق خواستیم این نقیصه جبران شود.

مفهوم تحریف:

علماء لغت تحریف را به معنای برگردانیدن سخن از موضع و جای آن و همچنین تحریف به معنی تغییر، تبدیل، انقلاب، واژگونی و انحراف سخن و یا چیزی دیگر از حالت و وضع خود و تقلب آمده گرفته اند (دهخدا، ۱۳۷۷ هـ ش، ج ۵ ص ۶۴۷۶). که اصل آن از ماده «حرف» یعنی گز کردن و برگردانیدن است (هاشمی، ۱۳۸۵ هـ ش، ج ۷، ص ۴۳۰). ابن منظور تحریف کلام را، به معنی تغییر معنی آن گرفته است (ابن منظور، ب ت، ج ۹، ص ۴۱). امام راغب اصفهانی گفته است: تحریف کلام آن است که آنرا در گوشه ای از احتمال قرار دهی که بتوان به دو وجه حمل کرد. (راغب اصفهانی،

از ناشایست بازشان می‌دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاک را حرام و بار گرانشان را از دوششان بر می‌دارد و بند و زنجیرشان را می‌گشاید پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگارانند.

علامه جارالله زمخشری در رابطه به مصادیق تحریف در تحت آیت {يُحَرِّقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ} می‌نویسد: چون ایشان هنگامی که دست به دگرگونی زدند عوض واژه‌های دیگری را جابجا کردند، واژه‌ها را از جایگاه اصلی‌اش تغییر دادند و دور ساختند، مانند تحریف نمودن [وصف پیامبر] «گندم گون قد متوسط» را از جایگاهش در تورات به «گندمگون قد بلند» تغییر دادند، مانند این سخن ایشان {وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ} به این معنای که بشنو درحالی که تو شنوا نیستی، این سخن از سخنان دوپهلوی است که احتمال ذم و غیر آنرا دارد در صورت مدح به معنای بشنو از ما، امید که سخنی را از ما بشنوی که آن را دوست داشته باشی، و سخنی را از ما نشنوی که آن را دوست نمی‌داری. «وَرَاعِنَا» منظورشان از آن متصف نمودن حضرت به کم خردی و عیب و زشتی بود و گمان می‌بردند با استعمال کلمات دو پهلو خدا و پیامبر فریب می‌خورند. آنها با استعمال اینگونه کلمات و پیچ دادن زبانشان به عیب جویی از دین و پیامبر می‌پرداختند و در میان خود این مطلب را به صراحت بیان می‌کردند. (جار الله زمخشری،

ب ت، ج ۱، ص ۵۴۹)

۲- دیگر اینکه طبق فرمان تورات، جزای زنا محصنه رجم بود، ولی در آن تحریف رخ داده است. چون در تورات حکم رجم آمده بود، ولی علماء یهود درابتداء بین افراد ثروتمند و فقیر فرق گذاشتند و سپس چون فقیران به این تبعیض

خداوند(ج) به حضرت عیسی(ع) برای هدایت و رهنمایی بنی اسرائیل نازل گردیده است. (اشرفی، ۱۳۸۹هـ.ش، ص ۱۸۴) هدف ما بطور مشخص از «بایبل» همان تورات و انجیلی است که مسیحیان امروزی در ضمیمه کتاب مقدس به آن باور دارند و به آنها تقدس قایل اند، اما یهودی‌ها صرف به تورات یا همان عهد قدیم ایمان دارند و بس.

مصدق تحریف:

درباره‌ی مصداق تحریف کتاب مقدس به موضوعات مختلف اشاره شده است، با اینکه تحریف در معنا و مفهوم آن صورت گرفته است یا در لفظ آن؟ اما در روایات و تتبع آثار علمای اسلام دو موضوع ذکر گردیده است:

۱- نخست اینکه وصف پیامبر اسلام و بشارت به پیامبری ایشان، چنانچه در سوره بقره خداوند فرموده است: {الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [بقره: ۱۴۶] آن کسانی که کتاب را به ایشان داده ایم، او (محمد) را می‌شناسند همان گونه که فرزندانشان را می‌شناسند، و همانا گروهی از آنان حق را پنهان می‌کنند درحالی که می‌دانند.

در سوره اعراف می‌فرماید: {الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ} [اعراف: ۱۵۷] آنان که از این رسول، این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل، خود نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند آن که به نیکی فرمانشان می‌دهد و

او راست می‌گوید: در تورات، آیهٔ رجم، وجود دارد. سرانجام، رسول خدا (ص) دستور داد و آن دو نفر، رجم شدند. چگونگی تحریف:

از مجموعه آیاتی که در قرآن مجید دربارهٔ تحریفهای یهود آمده، استفاده می‌شود که گاهی تحریف آنها معنوی بوده؛ بدین گونه که معانی الفاظ را دگرگون می‌ساختند، و گاهی تحریف لفظی می‌کردند و گاهی به مخفی ساختن قسمتی از آیات دست می‌زدند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ هـ ش، ج ۴، ص ۴۰۱)

بنابر آنچه گفته شد می‌توانیم تحریف به صورت کلی به دو دسته تقسیم کنیم:

۱- تحریف لفظی: کم یا زیاد کردن الفاظ. که این تعریف ناظر بر کتابت و ظاهر عبارات است.

۲- تحریف معنوی: برگرداندن عبارت از معنای واقعی خود با حفظ اصل الفاظ. که این نوع تعریف را علماء مربوط به تفسیر و تأویل آنها دانسته‌اند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۳، ص ۵۶۰)

دروغ تعریف معنوی بین مسلمانها و مسیحیان اختلاف و نزاعی نیست؛ چون مسیحی‌ها بطور مجموع صدور چنین تعریف را از طرف یهود در تفسیر آیات عهد قدیم، که بنا به گمان شان در آن آیات به مسیح اشاره شده بود امر مسلم می‌دانند، اما در وقوع تحریف لفظی با تمام اقسام آن یعنی تبدیل الفاظ، زیادت الفاظ و نقصان آن در تورات و انجیل با اینکه علمای پروتستان منکر چنین تحریف‌اند، ثابت است. (هندی، ب ت، ج ۱، ص ۲۴۸)

اعتراض کردند و آن را نپذیرفتند و زنا هم بین ثروتمندان رواج یافته بود علمای آنان با یکدیگر مشوره کردند و به جای رجم، احکام دیگری وضع نمودند. (حداد عادل، ۱۳۸۰ هـ ش، ج ۶، ص ۶۳۵)

امام بخاری در ذیل آیت: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيْقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ} [آل عمران: ۲۳] آیا آنان را ندیدی که از کتاب بهره ای یافته بودند، چون دعوت شدند، تا کتاب خدا در باره آنها حکم کند گروهی از ایشان بازگشتند و اعراض کردند؟ روایتی را از عبدالله ابن عمر نقل میکند: «أَنَّ الْيَهُودَ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَذَكَرُوا لَهُ: أَنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ وَأَمْرًا زَنِيًّا، فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَا تَجِدُونَ فِي التَّوْرَةِ فِي شَأْنِ الرَّجْمِ؟» فَقَالُوا: نَفَضَحُهُمْ، وَيُجْلِدُونَ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ: كَذَّبْتُمْ، إِنَّ فِيهَا الرَّجْمَ، فَأَتَوْا بِالتَّوْرَةِ، فَنَشَرُوهَا، فَوَضَعَ أَحَدُهُمْ يَدَهُ عَلَى آيَةِ الرَّجْمِ، فَقَرَأَ مَا قَبْلَهَا وَمَا بَعْدَهَا، فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ، ارْقَعْ يَدَكَ، فَرَفَعَ يَدَهُ، فِإِذَا فِيهَا آيَةُ الرَّجْمِ، فَقَالُوا: صَدَقَ يَا مُحَمَّدُ فِيهَا آيَةُ الرَّجْمِ، فَأَمَرَ بِهِمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَرَجِمَا». (بخاری، ۱۳۲۲ هـ ق، ج ۹، ص ۱۶۴) ترجمه: تعدادی از یهودیان نزد رسول الله (ص) آمدند و به او گفتند که مرد و زنی از آنها مرتکب زنا شده‌اند. رسول خدا (ص) به آنان گفت: «در این باره در تورات چه حکمی آمده است؟» گفتند: آنان را رسوا می‌کنیم و شلاق می‌زنیم. عبدالله بن سلام (رض) گفت: دروغ می‌گویید. در این باره در تورات، حکم رجم آمده است. آنگاه، تورات را آوردند و باز کردند. سپس یکی از آنان، دستش را بر آیهٔ رجم گذاشت و آیات ما قبل و ما بعد آنرا خواند. عبد الله بن سلام (رض) به او گفت: دستت را بردار. او دستش را برداشت. آنگاه آیهٔ رجم را دیدند و گفتند: ای محمدا!

از مصادیق تحریف که موضوع در عهدین تذکر رفته اما قرآن آنرا رد می‌کند، مسأله تصور فرزندی نصارا با خداوند است؛ درسفرخروج ۲۴/۴، سفر ارمیا ۹/۳۱، یوحنا ۳۱/۱ و هوشع ۱۰/۱ تذکر رفته است. قرآن کریم این رابطه را نفی نموده خداوند را از چنین رابطه بری میداند، چنانچه در سوره مائده می‌فرماید: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرْ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ} [مائده: ۱۸] و یهودان و ترسایان گفتند ما پسران خدا و دوستان او هستیم بگو پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند دهنه [بلکه شما هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی اوست.

وهمچنین قرآن پسر خدا بودن مسیح را رد نموده می‌فرماید: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزَّىٰرُ بْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ} [توبه: ۳۰] یهود گفتند عزیر پسر خداست و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنی است [باطل] که به زبان می‌آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند شباهت دارد خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوند.

زمینه‌های ایجاد تحریف:

در زمینه شیوه ایجاد تحریف در تورات و انجیل قرآن کریم سه روش را برمی‌شمارد:

۱- کتمان؛

در مورد اینکه تحریف صورت گرفته، شامل تمامی لفظ و معنای تورات و انجیل بدون استثناء است و یا اینکه معنای آنها تحریف شده است نه لفظ آن و اینکه تورات و انجیل لفظاً و معنأ تحریف شده، و اما این تحریف همه تورات را شامل نمی‌شود، دیدگاه متفاوت ارائه شده است، امام رازی می‌گوید:

رأی اول درافراط فرورفته می‌گوید: همه تورات بدون استثناء لفظاً و معنأ تحریف شده است.

رأی دوم درمقابل به تفریط گراییده می‌گوید: تحریف تنها در تأویل معانی تورات صورت گرفته، اما از نگاه الفاظ در آن تغییر نیامده است.

رأی ونظریه سوم راه وسط را پیموده و می‌گوید: تورات لفظاً و معنأ تحریف شده، و اما این تحریف همه تورات را شامل نمی‌شود، بلکه اکثریت آن تحریف شده، و تا هنوز آیات اندکی در تورات وجود دارد که در آن تغییر نیامده است و دست تحریف به آن نرسیده، بلکه همانطوریکه از طرف خداوند (جل جلاله) وحی شده باقی است. که از جمله صفات پیغمبر اسلام (ص) و رجم زانی محصن می‌باشد. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۳، ۵۶۰)

و بنا به گفته امام ابن حزم: خداوند (جل جلاله) عمداً بعضی آیات را در تورات از تحریف محفوظ داشته است تا سبب رسوائی یهود باشد، و بر آنها حجت شود. (ابن حزم، ب ت، ج ۱، ص

۲۱۲-۲۱۳).

گرچه تحقیق و بسط این سه دیدگاه نیاز به شرح و تفصیل بیشتر دارد که این مقاله از احتوای آن عاجز است، اما حسب تقاضای مکان، صرفاً به ذکر آیاتی که از محتوای آن تحریف تورات دانسته میشود بسنده می‌کنیم.

۲- تغییر؛
۳- تلبیس.
بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی مگر [شماری] اندک از ایشان
[که خیانتکار نیستند] پس از آنان درگذر و چشم پوشی کن
که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

این تغییر می‌تواند با قرائت ناصحیح اعراب کلمات نیز ایجاد
شود؛ که خداوند(ج) فرموده است: {وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ
الْأَسِنَّةَ مِنَ الْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ
وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [آل عمران: ۷۸] و از میان آنان گروهی
هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریر شده‌ای]
می‌پیچانند تا آن [بربافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی]
پندارید با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست و می‌گویند آن
از جانب خداست در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا
دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند.

{يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوهُنَّ لَمَّا كُتِبَ فِيهَا} [مائده:
۱۳] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه
را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند.

تلبیس هم به معنای خلط و آمیختن اشیاء نامطلوب با اشیاء
مطلوب پوشانیدن جامه‌ای از تفاسیر نامربوط بر صورت آیات
مکتوب است؛ (جارالله زمخشری، ب، ت، ج، ۱، ص ۵۴) این فرمان
الهی به این مدعی شاهد است: {وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ
وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} [بقره: ۴۲] ترجمه: وحق را به
باطل درنیمیزید و حقیقت را با آنکه خود می‌دانید کتمان
نکنید. واین فرموده خداوند متعال: {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ
الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} [آل عمران: ۷۱]
ای اهل کتاب چرا حق را به باطل درمی‌آمیزید و حقیقت را
کتمان می‌کنید با اینکه خود می‌دانید. الوسی در تفسیر این
آیت می‌نویسد: «لبس» بفتح لام به معنای درآمیختن، و فعل

مراد از کتمان حذف یا پنهان داشتن برخی از عبارات در هنگام
خواندن یا نوشتن است. (عمید، ۱۳۸۶ هـ ش، ج ۳، ص ۱۹۴۷)
اما اگر همه آیات حفظ شود و تنها موضع یا صورت کلماتی از
آن دگرگون، یا کم و زیاد گردد، تغییر صورت گرفته است؛
چنانچه خداوند(جل جلاله) فرموده است: {مَنْ الّذِينَ هَادُوا
يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ
مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنِّتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا
سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَعَنَهُمُ
اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا} [نساء: ۴۶] برخی از آنان
که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با
پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام] با
درآمیختن عبری به عربی [می‌گویند شنیدیم و نافرمانی
کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی استهزا
می‌گویند] راعنا [که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در
عبری یعنی خبیث ما] و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان
بردییم و بشنو و به ما بنگر قطعا برای آنان بهتر و درست‌تر بود
ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز
[گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند.

{فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ
الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوهُنَّ لَمَّا كُتِبَ فِيهَا تَلْبَعُ عَلَى
خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ} [مائده: ۱۳] پس به [سزای] پیمان شکستشان
لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [به طوری
که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه
را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره

[آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند] و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند خبرچینی [=جاسوسی] می‌کنند کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند اگر این [حکم] به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید .

خداوند متعال در این آیه از برخی بنی اسرائیل نام می‌برد که با جاسوسی و کارشکنی در رسالت پیامبر اکرم (ص)، به تحریف کلمات می‌پردازند.

۴- {قَوِيلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ بِهَا نَمْنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا كَتَبْتُ أُيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ} [بقره: ۷۹] پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف‌شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.

خداوند متعال در این آیه از نوشتن کتاب‌هایی از سوی برخی افراد و نسبت دادن آنها به خداوند خبر می‌دهد. تمام مفسران افراد یادشده در این آیه را علمای یهود دانسته‌اند.

۵- {وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [آل عمران: ۷۸] در میان آنها کسانی هستند که زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید [آنچه را می‌خوانند] از کتاب [خدا] است، در حالی که از کتاب [خدا] نیست! [و با صراحت

آن «لبس» از باب ضرب است، و به معنای اشتباه و گاهی برای مفهوم مشترک بین معنای حقیقی و مجازی استعمال می‌گردد. (آلوسی، ۱۹۹۴م، ج ۲، ص ۱۹۱)

استدلال‌های قرآنی برای اثبات تحریف تورات وانجیل:

قسمیکه تحقیق نشان می‌دهد، در شش آیه از آیات نورانی قرآن کریم، از تحریف سخن به میان آمده است، که قرار ذیل ملاحظه فرمائید:

۱- {أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [بقره: ۷۵] آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند.

در این آیه خداوند متعال به مسلمانانی که امید داشتند قوم یهود اسلام را اختیار کنند، می‌گوید: اینان هم آنان‌اند که کلام خدا را شنیدند و پس از فهمیدن آن به تحریفش پرداختند.

۲- {يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ...} [مائده: ۱۳] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند.

خداوند متعال در این آیه از پیمان شکنی‌های قوم یهود، تحریف و جابجایی کلمات و نیز فراموش کردن آن کلمات از سوی قوم یهود خبر می‌دهد. این پیمان‌شکنی‌ها سبب دور شدن آنها از رحمت خداوند و سنگ شدن دل‌های آنها شد.

۳- {وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أَوْتَيْتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاخْذَرُوا} [المائدة: ۴۱] یهودیان

وهدایت برای مسلمانان معرفی کرده مسلمانان را به ایمان به تورات وانجیل دعوت می‌نماید، وبعدها تأکید می‌کند که این دو کتاب آسمانی تحریف شده اند، چنانچه خداوند (ج) فرموده است: {أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ} [بقره: ۲۸۵] پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شد ایمان آورد، و مومنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبرانش ایمان آوردند و گفتند: بین هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: « شنیدیم و اطاعت کردیم . پروردگارا! آمرزش ترا می‌خواهیم، و بازگشت به سوی توست.»

{وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ} [انعام: ۹۱] وقتی که می‌گویند که خدا بر هیچ انسانی چیزی نازل نکرده است، خدا را، آنچنان که در خور اوست نشناخته اند بگو: کتابی را که موسی برای روشنایی و هدایت مردم آورد، چه کسی بر او نازل کرده بود؟ آن را بر کاغذها نوشتید، پاره ای از آن را آشکار می‌سازید ولی بیشترین را پنهان می‌دارید به شما چیزها آموختند که از این پیش نه شما می‌دانستید و نه پدرانتان می‌دانستند بگو: آن الله است آنگاه رهیشان ساز تا همچنان به انکار خویش دلخوش باشند.

{وَكَيْفَ يُحْكِمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ . إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا

می‌گویند: "آن از طرف خداست!" با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند، در حالی که می‌دانند.

خداوند متعال در این آیه، از این واقعیت خبر می‌دهد که برخی افراد به هنگام خواندن کتاب آسمانی‌شان، زبان خود را می‌چرخانند، آن‌گاه پس از ایجاد تغییر در آن الفاظ، آنها را همان الفاظ واقعی معرفی می‌کردند.

بنابه گفته مفسران مقصود از کتاب، در این آیه همان تورات است، همچنین نتیجه کلی این آیه همان تحریف تورات است.

ع- {مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنْتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ} [نساء: ۴۶] بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند و [به جای این‌که بگویند: "شنیدیم و اطاعت کردیم"، می‌گویند: "شنیدیم و مخالفت کردیم!"] و [نیز می‌گویند: [بشنو! که هرگز نشنوی!]] از روی تمسخر می‌گویند: ["راعنا] ما را تحمیق کن!] " تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند.

خداوند متعال در این آیه به صراحت از تحریف کلمات و جابه‌جا کردن آنها به وسیله قوم یهود، خبر داده است.

تلقى قرآن از تورات و انجیل:

قبل از این‌که به‌مبحث تحریف کتاب مقدس از دیدگاه قرآن کریم بپردازیم، ضروری خواهد بود تا تلقی قرآن از این دو کتاب (تورات و انجیل) روشن شود.

رهیافت قرآن به موضوع تحریف عهدین چنان است که قرآن کریم اول به وحیانی بودن تورات و انجیل تصریح میکند و خود را مؤید آن دانسته، تورات و انجیل را به صفات نور

انجیل را برای هدایت مردم فرو فرستاد. و سپس با طرح مسئله تحریف، موارد غیر وحیانی آن را برمی شمرد.

قرآن مجید و مسأله تحریف

جمهور مسلمانان به این دیدگاه اند که «کتاب مقدس» متداول تحریف شده و کتاب‌های جعلی هستند که ساختار شان دلالت به این دارد که آسمانی نمی باشند. پیام‌های الهی تورات و برخی کتب عهد عتیق نیز ساختار کتاب را به هم نمی زند و مانند آیاتی از قرآن است که در کتاب سیره پیامبر اکرم (ص) نقل می‌شود. تعداد این آیات هر قدر هم زیاد باشد کتاب سیره را به قرآن تبدیل نمی‌کند. (توفیقی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ص ۲۳۲)

اما اینکه آیا تورات و انجیل اصیل تحریف شده‌اند یا نه؟، بین دانشوران مسلمان اختلاف هست.

ابن عطیه در تفسیر این آیه گفته است: تحریف سخن از جانب یهودیان به دو شکل صورت گرفته است، یکی با تغییر لفظ که در مقدار کمی از تورات مرتکب آن شده‌اند و دیگری تحریف با تغییر تأویل که در بیشتر تورات مرتکب آن شده‌اند. (ابن عطیه، ب ت، ج ۴، ص ۸۷) طبری هم این را گفته است. (طبری، ۲۰۰۰ م، ج ۸، ص ۴۳۰)

در تفسیر فتح القدر هم چنین آمده است: تحریف به معنی کج کردن و کنار زدن است. یعنی یهودیان تورات را کنار می‌زنند و چیزهای دیگری را جایگزین آن می‌سازند، یا اینکه آن را به صورت نادرست تأویل می‌کنند. (شوکانی، ب ت، ج ۱، ۸۶)

تَحْشَوْا النَّاسَ وَأَخْشَوْنَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ . وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ . وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ } [مانده: ۴۳ - ۴۷] چگونه تو را داور قرار می‌دهند، در حالی که تورات که حاوی حکم خداست در، نزد آنهاست؟ سپس از حکم تو روگردان می‌شوند و اینان ایمان نیاورده اند. ما تورات را که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم پیامبرانی که، تسلیم فرمان بودند بنابر آن برای یهود حکم کردند و نیز خداشناسان و دانشمندان که به حفظ کتاب خدا مامور بودند و بر آن گواهی دادند، پس، از مردم مترسید، از من بترسید و آیات مرا به بهای اندک مفروشید و هر که بر وفق آیاتی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر است. و در تورات بر آنان مقرر داشتیم که نفس در برابر نفس و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاصی است و هر که از قصاص درگذرد، گناهش را کفاره ای خواهد بود و هر که به آنچه خدا نازل کرده است حکم نکند، از ستمکاران است.

و حتی قرآن خود را مصدق آن دو کتاب آسمانی میخواند؛ قسمی که می فرماید: {أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ} . [آل عمران: ۳] کتاب را بر تو به حق نازل کرد، تصدیق کننده کتابهایی است که پیش از آن بوده اند و قبل از آن تورات و

۴- آیاتی که اهداف تحریف کنندگان را بیان می‌دارند.

۵- آیاتی که به عواقب عمل تحریف می‌پردازند. (موسوی

بنجوردی، ۱۳۸۳هـ.ش، ج ۱۴، ص ۶۲۰)

اول: آیاتی که صرفاً به تحریف تورات وانجیل اشاره دارند.

از گروه نخست می‌توان به مواردی اشاره کرد که در آنها یهود و نصارا، به تحریف آگاهانه کتاب آسمانی خویش متهم شده اند؛ که آیات ذیل قرآنی به این موضوع گواه است: {أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ . وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغُضِّهِمْ إِلَىٰ بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ . أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ . وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيًّا وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ . قَوْلٌ لِلَّذِينَ يُكْتَبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبْتَ آيَاتِهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ} بقره: ۷۵- ۷۹] آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند . و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند می‌گویند چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند آیا فکر نمی‌کنید. آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند می‌داند.

فخرالرازی گفته است خداوند(ج) در سوره‌ی نساء فرموده است: {مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ} [النساء: ۴۶] در این آیه اگر تحریف را به معنی تأویل باطل بگیریم، یعنی یهودیان تأویلات باطلی را برای متون تورات ذکر می‌کنند. و این آیه برحذف الفاظ تورات دلالت نمی‌کند. ولی خداوند در سوره‌ی مائده می‌فرماید: {وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا} [المائدة: ۴۱] آن یهودان که گوش به دروغ می‌سپارند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نمی‌آیند سخن چینی می‌کنند، و سخن خدا را دگرگون می‌سازند، و می‌گویند: اگر شما را اینچنین گفت بپذیرید و گرنه از وی دوری گزینید. این آیت بر هر دو معنی دلالت می‌کند، یعنی هم تأویلات باطله را ذکر می‌کنند و هم الفاظ تورات را حذف می‌نمایند، که {يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ} به معنی اول و {مِنَ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ} به معنی دوم اشاره می‌کند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ج ۱۰، ص ۹۳) {لِيَأْتِيَ بِالسِّنِّتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ} [النساء: ۴۶] یعنی به منظور توهین به دین و مورد تمسخر قرار دادن آن، زبان خود را از حق به سوی آنچه که در دل داشتند می‌چرخاندند. (ابن عطیه، ب ت، ج ۴، ص ۱۸۹)

منطق قرآن در اثبات تحریف تورات وانجیل

با درنظر داشت مطلب ذکر شده، دانشمندان آیات مربوط به این موضوع را چنین تقسیم بندی کرده اند:

۱- آیاتی که صرفاً به تحریف تورات وانجیل اشاره دارند.

۲- آیاتی که روشهای ایجاد تحریف را بازگو می‌کنند.

۳- آیاتی که نمونه‌ها و مثالهای تحریف را برمی‌شمارند.

که از این قرار است (موسوی بنجوردی، ۱۳۸۳ هـ.ش، ج ۱۴، ص ۲۷۲):

۱- عدم مداخله خداوند در هستی، پس از خلقت: قرآن کریم این مسئله چنین بازگو نموده ورد می‌کند: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنَا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ...} [المائدة: ۶۴] یهود گفتند که دست خدا بسته است دستهای خودشان بسته باد و بدین سخن که گفتند ملعون گشتند دستهای خدا گشاده است به هر سان که بخواهد روزی می‌دهد ...

۲- حذف مطالب مربوط به آخرت: مسئله ایمان به آخرت در متون دینی یهود انعکاس چندانی ندارد، حتی که فرقه صدوقیان به طور کلی به بعث بعد از مرگ وبملائکه و جهان آخرت ایمان ندارند و جزای اعمال انسان را در این جهان میدانند و در تورات متداول ذکر از آخرت و زندگی بعد از مرگ نشده است، اگر فقه فریسیان ایمانی به آخرت دارند آنهم به صورت منحرفانه که قرآن کریم آنرا چنین بازگویی نموده است: {وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً ...} [البقرة: ۸۰ - ۸۳] و گویند: «آتش جهنم جز چند روزی به ما نمی‌رسد»...

۳- تقلیل عذاب یهود به مدت چند روز: یهودیان همیشه به اندیشه اینکه خود را نسل برگزیده خداوند می‌دانند، از بی عدالتی و گناه نمی‌ترسند و خود را قابل ترحم و دور از مواخذه الهی می‌پندارند، می‌گویند: {ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ} [آل عمران: ۲۴] و این [سرباز زدن از حکم الهی] بدان سبب بود که می‌گفتند: آتش جز چند روزی ما را عذاب نخواهد کرد و این دروغ که بر خود بسته بودند در دین خود فریبشان داد.

و [بعضی] از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی‌دانند و فقط گمان می‌برند . پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.

{فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ} مائده: ۱۳] پس به [سزای] پیمان شکست‌نشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند] پس از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

دوم: آیاتی که روشهای ایجاد تحریف را بازگو می‌کنند.

حالا باید دید که روش‌ها و نمونه‌های تحریف در تورات و انجیل کدام است، و در نظر قرآن کریم کدام موضوعات تورات و انجیل مورد تحریف واقع شده است.

از اینکه قرآن مسلمانان را به ایمان به تورات و انجیل دعوت نموده است، [بقره: ۲۸۵] فهم این موضوع که کدام موارد این کتابها وحی نیستند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

در این مورد از معتقدات و اقوال یهود که خداوند(ج) در قرآن به نادرست بودن آن تصریح دارد، به بعضی آن اشاره می‌نماییم

ویارایش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگارانند.

۶- پسر خدا دانستن عزیر توسط یهود و عیسی توسط نصاری: خداوند در مورد چنین تصریح میدارد: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيرُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ} [التوبة: ۳۰] یهود گفتند که عزیر پسر خداست، و نصاری گفتند که عیسی پسر خداست این، سخن که می گویند همانند گفتار کسانی است که پیش از این کافر بودند خدا بکشیشان به کجا باز می گردند؟

۷- حلال دانستن مال غیر به یهودی برای یهودی: موضوع را قرآن کریم چنین بازگو می کند: {وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بدينارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بآئِهِمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [آل عمران: ۷۵] از میان اهل کتاب کسی است که اگر او را امین شمری و قنطاری به او، بسپاری آن را به تو باز می گرداند، و از ایشان کسی است که اگر امینش شمری و دیناری به او بسپاری جز به تقاضا و مطالبت آن را باز نگرداند زیرا می گوید: راه اعتراض مردم مکه بر ما بسته است و کس ما را ملامت نکند اینان خود می دانند که به خدا دروغ می بندند.

۸- ربوبیت قایل شدن برای احبار: قرآن کریم این مسئله را چنین توضیح میدهد: {اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ} [التوبة: ۳۱] علماء دینی و پارسایان خویش و مسیح پسر مریم را به جای الله به خدایی گرفتند و حال آنکه مامور بودند که تنها یک خدا را بپرستند،

آیت ۸۰ سوره بقره نیز همین موضوع با بیان میکند در فقره گذشته ذکر شد.

۴- قول به رابطه پدری و فرزندگی قوم یهود با خداوند: در مورد الله متعال فرموده است: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ...} [المائدة: ۱۸] یهودیان و مسیحیان گفتند که ما فرزندان و دوستان خدا هستیم بگوی: پس چرا شما را به پاداش گناهانتان عذاب می کند؟ بلکه شما انسانهایی از جمله آفریدگان هستید...

۵- کتمان بشارت ظهور پیامبر اسلام و تغییر اوصاف وی که در تورات موجود بوده است: با اینکه دسته از اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام و جمع واقع نگر با ملاحظه بشارت موجود در تورات وانجیل به پیامبر(ص) ایمان آوردند، اما بیشترین ایشان این بشارت را کتمان نموده به تغییر و تحریف آن اقدام نمودند، در مورد خداوند(ج) فرموده است: {الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} [الأعراف: ۱۵۷] آنان که از این رسول، این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل، خود نوشته می یابند، پیروی می کنند آن که به نیکی فرمانشان می دهد و از ناشایست بازشان می دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام و بار گرانشان را از دوششان بر می دارد و بند و زنجیرشان را می گشاید پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند

جاء به موسى نوراً وهدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها
وتخفون كثيراً وعلمتم ما لم تعلموا أنتم ولا أبؤكم قل الله ثم
ذرهم في خوضهم يلعبون {انعام: ٩١} بگو چه کسی آن
کتابی را که موسی آورده است نازل کرده [همان کتابی که]
برای مردم روشنایی و رهنمود است [و] آن را به صورت
طومارها درمی‌آورید [آنچه را] از آن [می‌خواهید] آشکار و
بسیاری را پنهان می‌کنید در صورتی که چیزی که نه شما
می‌دانستید و نه پدرانان [به وسیله آن] به شما آموخته شد
بگو خدا [همه را فرستاده] آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل]
خود به بازی [سرگرم] شوند.

قرآن کریم در مورد تغییر نیز از ایشان چنین انتقاد می‌کند: که
با چرخش زبان خویش الفاظ را چنان بیان می‌دارند که معنای
دیگری بدهد؛ خداوند فرموده است: {مَنْ الذِّينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ
الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمُوعٍ
وَرَاعِنَا لِيَا بِالسِّنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ
بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا} [نساء: ٤٦] برخی از آنان که
یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن
زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام با درآمیختن
عبری به عربی] می‌گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو
[که کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی استهزا می‌گویند] راعنا
[که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث
ما] و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به
ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود ولی خدا آنان را
به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان
نمی‌آورند.

که هیچ خدایی جز اونیست منزه است از آنچه شریکش
می‌سازند.

٩- تعطیل حکم رجم زانیه: امام بخاری در شأن نزول آیت ٢٣
سوره آل عمران که خداوند فرموده است: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ
يَتَوَلَّوْا فَرِيقًا مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ} [آل عمران: ٢٣] آیا آنان را
ندیدی که از کتاب بهره ای یافته بودند، چون دعوت شدند،
تا کتاب خدا در باره آنها حکم کند گروهی از ایشان بازگشتند
و اعراض کردند؟ روایتی را از عبدالله این عمر روایت میکند:
تعدادی از یهودیان نزد رسول الله (ص) آمدند و به او گفتند
که مرد و زنی از آنها مرتکب زنا شده اند. رسول خدا (ص) به
آنان گفت: «در این باره در تورات چه حکمی آمده است؟»
گفتند: آنان را رسوا می‌کنیم و شلاق می‌زنیم. عبدالله بن
سلام (رض) گفت: دروغ می‌گویید. در این باره در تورات، حکم
رجم آمده است. آنگاه، تورات را آوردند و باز کردند. سپس
یکی از آنان، دستش را بر آیه رجم گذاشت و آیات ما قبل و
مابعد آنرا خواند. عبد الله بن سلام (رض) به او گفت: دستت را
بردار. او دستش را برداشت. آنگاه آیه رجم را دیدند و گفتند:
ای محمد! او راست می‌گوید: در تورات، آیه رجم، وجود دارد.
سرانجام، رسول خدا (ص) دستور داد و آن دو نفر، رجم شدند.
(بخاری، ١٣٢٢ هـ ق، ج ٩، ص ١٦٤)

سوم: آیاتی که نمونه‌ها و مثالهای تحریف را برمی‌شمارند:

نمونه روشن اشاره به تحریف مبتنی بر کتمان، آیت از قرآن
است که یهود را متهم می‌کند که آیات تورات را در اوراقی
نگاشته‌اند و برخی را به میل خود آشکار و برخی را پنهان می
سازند؛ (موسوی بنجوردی، ١٣٨٣ هـ ش، ج ١٤،
ص ٦٢٠) خداوند (ج) می‌فرماید: {قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي

همین است که خداوند اهل کتاب را مخاطب قرار داده می‌گوید: {وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ} [بقره: ۴۱] آیات مرا به بهای کم (دنیا) نفروشید و تنها از من بترسید و بس.

پول و مال و کسب دنیوی صرف مادی سرشت همه ی یهودیان از روزگاران پیشین بوده است، چه بسا مقصود از نهی در اینجا آن چیزی باشد که رؤسای یهودیان از پول خدمات دینی به جیب می‌زدند، و فتوهای دروغین صادر نموده و به تحریف احکام دینی به نفع ثروتمندان و بزرگان قوم دست می‌بازیدند تا عقوبت و شکنجه ای متوجه کبراء و اغنیاء نگردد! چنانکه در جاهای دیگر نیز آمده است. احبار می‌خواستند مردمان ملت خویش را از پذیرفتن دین حق بدور دارند تا این چیزهائی را که بیان کردیم از دست ندهند و با ورود آنان به اسلام پیشوائی و سروری از دستشان بدر نرود در صورتی که همه ی دنیا - همچنانکه بعضی از صحابه و تابعین رضوان الله علیهم در تفسیر آن آیه فرموده اند - بهای اندکی بشمار است، هنگامی که با ایمان به آیات خدا سنجیده شود و سودی که ایمان در آخرت در پیشگاه خدا بهره ی انسان می‌سازد، در مد نظر گرفته شود. (سیدقطب، ب ت، ج ۱، ص ۱۹۸)

نتیجه:

با در نظر گرفتن فحوای تصریحات قرآن کریم و نقد دعاوی یهود و مسیحیت، و نیز تفاسیری ملاحظه صورت گرفته، می‌توان نتایج تحقیق را به موارد ذیل خلاصه نمود:

منظور ما از «کتاب مقدس» همان عهدین (عهد جدی و عهد قدیم) که از آن به یا «بایبل» نیز تعبیر شده است. هدف قرآن کریم از تورات و انجیل محرفه همان مجموعه کتاب

اهل کتاب کسانی بودند که به عمل اغراق و غلو در دین خود مبادرت می ورزیدند، که قرآن کریم چنین باز گویی میکند: {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا} [انساء: ۱۷۱] ای اهل کتاب، در دین خویش غلو نکنید و در باره خدا جز سخن حق مگویید، هر آینه عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه او بود که به مریم القا شد و روحی از او بود پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگویید که سه چیزند از این اندیشه ها باز ایستید که خیر شما در آن خواهد بود جز این نیست که الله خدایی است یکتا منزله است از اینکه صاحب فرزندی باشد از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است، و خدا کارسازی را کافی است.

چهارم: آیاتی که اهداف تحریف کنندگان را بیان می دارند.

اینکه اهل کتاب تفاسیر نا موثق احبار و ربانیون را بر تورات حمل می کردند و معنی حقیقی کلام الهی را با آن تفاسیر می پوشاندند تا متاع ناچیزی بدست آرند، بنابراین بیشتر انگیزه تحریف کتاب نزد یهود دینا پرستی و ثروت اندوزی بود، خداوند می فرماید: {قَوْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا كَتَبْتُ أُيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ} [بقره: ۷۹] پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.

منابع

قرآن کریم.

ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید اندلسی. (ب ت) الفصل فی الملل والاهواء والنحل. قاهره: مکتبه الخانجی.

ابن عطیه، ابومحمد عبدالحق بن غالب محاربی. (ب ت). المحرر الوجیز. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (ب ت). لسان العرب. ج ۹. بیروت. دارالصادر.

اشرفی، سید احمد. (۱۳۸۹ هـ ش). جستارهای در دین شناسی تطبیقی. کابل: مطبعه مسلکی افغان.

آلوسی، شهاب الدین محمود ابن عبدالله. (۱۹۹۴ م). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. ج ۲. بیروت. دارالکتب العلمیه.

بخاری، محمد بن اسمعیل. (۱۴۲۲ ق). صحیح البخاری. ج ۹. بیروت: دار طوق النجاة.

بوکای، مورس. (ب ت). عهدین قرآن و علم. مترجم: حسن حبیبی. تهران: انتشارات سلمان.

توفیقی، حسین. (۱۳۷۹ هـ ش) آشنایی با ادیان بزرگ. تهران: سمت.

جار الله زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد. (ب ت) تفسیر کشف. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حداد عادل، غلام علی. (۱۳۸۰ هـ ش). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ هـ ش) لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت نامه دهخدا.

راغب، حسین بن محمد اصفهانی. (۱۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالقلم.

سیدقطب. (ب ت) تفسیر فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل. تهران نشر احسان.

مقدس که از آن به عهدین نیز یاد می شود می باشد، نه اجزای خاص آن. تورات وانجیل نازل شده بر موسی و عیسی (ع) کاملاً از بین رفته است و آنچه به نام آنها باقی مانده است تحریف شده و بی اعتبار است. اناجیل چهارگانه موجود نزد اهل کتاب، همان انجیلی است که به حضرت عیسی (ع) نازل شده و قرآن کریم آنرا مورد تقدیس و تأیید قرار داده، نیستند. بلکه قسمی که ثابت گردید است اناجیل موجوده بنا به تصریح قرآن کریم تحریف شده اند. در اناجیل موجوده تحریف با تمام اقسام آن اعم از تحریف لفظی و معنوی صورت گرفته است، اما این تحریف همه تورات را شامل نمی شود، بلکه اکثریت آن تحریف شده است و تا هنوز آیات اندکی در تورات وجود دارد که دست تحریف به آن نرسیده است، همان طوری که از طرف خداوند (جل جلاله) وحی شده باقی است، از جمله صفات پیغمبر (ص) و رجم زانی محصن از همین دسته اند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.
نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

- شوکانی، محمد بن علی بن محمد. (۱۴۱۴ق). فتح القدير. دمشق: دار الكلم الطيب.
- شیرازی، ناصر مکارم وهمکاران. (۱۳۸۵هـ ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۰ق). جامع البیان فی تأویل القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله.
- عمید، حسن. (۱۳۸۶هـ ش) فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- فخرالدین رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰م) مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- قیّوجی، أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن. (۱۴۱۲ق) فتح البیان فی مقاصد القرآن. بیروت: صیدا.
- موسوی بنجوردی، محمد کاظم. (۱۳۸۳هـ) دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران. مرکز دائره المعارف اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۸۵هـ ش) فرهنگ قرآن. قم: موسسه بوستان کتاب.
- هندی، رحمت الله. (ب ت). اظهارالحق. قاهره: المكتبه التوقیثیه.